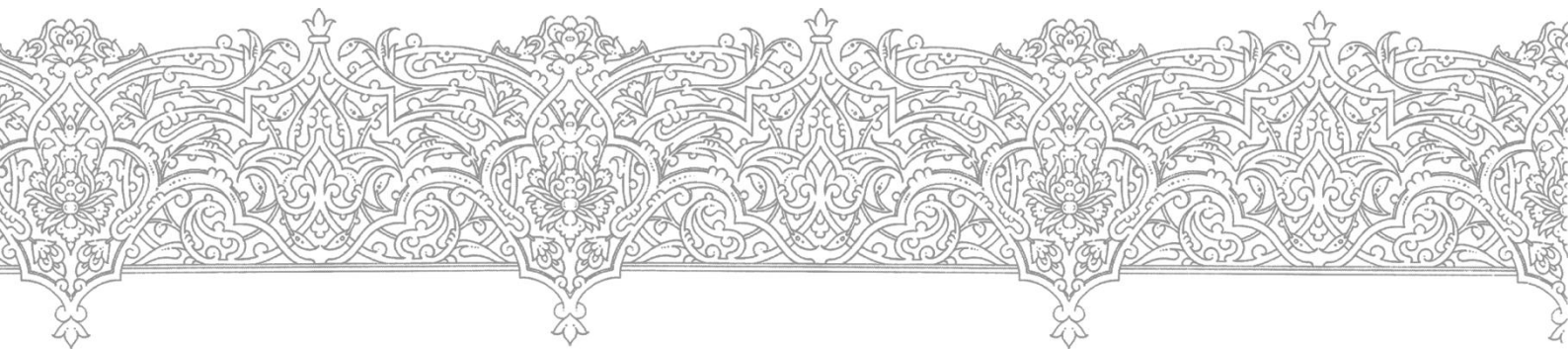


شناخت ابعاد جنبش جهانی صهیونیسم و روند
اشغال فلسطین



وضعیت اجتماعی شان در معاملات پولی پیشه وری و تجارت خلاصه می شد.

در جنگهای صلیبی، یهودیان که در مسیر حرکت سپاهیان صلیبی قرار داشتند بارها مورد غارت و قتل عام واقع شدند. اسپانیا، پس از تصرف مجدد مسیحیان، نیز شاهد این ماجراها بود.

دلیل عمده ی این غارتها به کار آن ها در پرداخت وام با بهره های بالا خلاصه می شد. این امر باعث شد که مردم یک منطقه پس از مدتی از آنها بیزار و آماده کشتار آنها شوند.

درست به همین دلیل پادشاهان نیز از کشتار آنها سود می بردند و همیشه مالیاتهای سنگین و پولهای کلان را از آنها می خواستند. با این وجود یهودیان به ضرب پولهای کلان توانستند برای خود موقعیتی در دربارهای اروپایی ایجاد نمایند و اندک اندک مقامات بزرگ را در دربار تصاحب نمایند.

در کشورهای اسلامی اما، وضع دگرگون بود. به لحاظ علمی یهودیان در اثر داخل با مسلمین رشد یافتند، موسی بن میمون فیلسوف یهودی اندیشه های دینی آنها را سامان داد و بسیاری از اندیشه های اسلامی را وارد یهودیت آسیایی نمود.

در ایران کولونی های آنها در مناطق مختلفی نظیر اصفهان شکل گرفتند و توانستند ضمن مالکیت زمین، که یهودیان اروپا از آن بی بهره بودند، در دستگاههای دولتی به عنوان طبیب و

یهودیت در بخش دین و تفکر بر خلاف نژاد و نسب، سابقه ای طولانی دارد. اگر چه گروهی برآند که این یهودیت دینی، همان یهودیت نژادی است اما باید گفت که امروزه از نژاد بنی اسرائیل خبری نیست و تنها می توان آنها را با مشخصات و توصیفشان در کتب تاریخی و قدیمی یافت. امروزه هیچ کس نمی تواند خود را به طور خالص از نژاد بنی اسرائیل بداند.

به هر حال سابقه یهودیت، بنا به آنچه خودشان در تورات نگاشته اند و امروزه بسیار محل تردید است به فلسطین بازمی گردد. براساس کتب تاریخی یهودی ایشان توانسته اند زمانی در دو شهر فلسطین اقدام به ایجاد حکومتهای محلی نمایند.

این قوم دوبار مورد هجمه ی دول همجوار واقع شد و در بار دوم - به دست تیتوس امپراتور روم - کاملاً مضمحل و نابود گشتند.

پس از پراکندگی، این دین به صورت کولونی های محدود به حیات خود در میان جوامع ادامه داد. در اروپا به خصوص پس از رشد مسیحیت به دلیل ضدیت مسیحیان آن زمان با یهودیان (به دلیل دخیل بودن در قتل عیسی) یهودیان در محله های کنار شهرها به نام گفتو ساکن شده بودند و هر از چندگاهی مورد حمله و غارت واقع می شدند. شغل آنها به مقتضای آیین، اندیشه و



افکندند و هلند یکی از مراکز مهم یهودیت اروپا گردید که امروزه نیز چنین است.

در سرآغاز قرن ۱۷ میلادی، سالهایی که زمان شکوفا شدن اعتقادات ناسیونالیستی و مهین پرستانه در اروپاست. شخصی یهودی اهل آمستردام که به تازگی از اسپانیا به هلند مهاجرت کرده بود، به نام موسی بن اسرائیل - که واعظی مذهبی ولی نه چندان معتقد به مذهب بود - نخستین آهنگ رؤیای بازگشت به فلسطین (ارض موعود) را به صدا در آورد.

وی با نوشتن کتابهایی چون، امید قوم یهود، خاضعانه و انتقام یهود، سعی کرد تا به این دین شکل نژادی داده و آنرا از دایره ی تسلط سایر ملل خارج سازد. در آن زمان انگلستان دارای حکومت مشروطه سلطنتی بود و در نوع خود تنها کشوری بود که در آن رای افراد - البته تنها اشراف - دخیل بود و از این لحاظ یک گام به سوی دموکراسی برداشته و خود را مردمی تر نموده بود!!

بن اسرائیل تصمیم گرفت تا یهودیان را به انگلستان هدایت کند و شاید راهکارهای مناسبتری نسبت به سایر اروپا را در این سرزمین یافته بود. وی در سال ۱۶۵۴، دیوید آبرابانل، یکی از نزدیکانش را برای تسلیم توماری به شورای سلطنتی انگلستان فرستاد و در عین حال با الیورست جان سفیر انگلیس درهلند که بعدها

حتی وزیر - سعد الدوله در دستگاه مغولان - رشد کند، اما سیرت و منش ردیلانه ی آنها معمولا مانع اوج گرفتن قدرتشان می شد.

یهودی آزاری ارتدوکس ها و کاتولیک ها و گرایش یهودیان به پروتستان

نهضت پروتستان، به رهبری لوتر در اروپا، چهره ی مسیحیت را تغییر داد و وجه ی کلیسا را دستخوش دگرگونی ساخت، پروتستانها بسیاری از اعتقادات قدیمی - ارتدوکس و کاتولیک - را دور ریختند و نسبت به بسیار از تعصبات گذشته، تساهل و تسامح پیش گرفتند. به دنبال آن رنسانس در اروپا بسیاری از اعتقادات را متزلزل ساخت و تکفیرهای کلیساهای کاتولیک نیز دردی را دوا نکرد. بسیاری از کشورهای اروپا صاحب کلیسای ملی گردید که کاردینال آنرا شاه مشخص می کرد. از میان این دولتها می توان به پروس (آلمان)، هلند و انگلستان اشاره کرد.

به دنبال این اتفاقات یهودیان اروپا، بالاخص یهودیان اسپانیا، که در آن زمان دچار قتل و غارت مسیحیان شده بودند به دلیل رشد تفکرات تازه به سوی سرزمینهای اروپایی پروتستان حرکت کردند که مهمترین آنها انگلستان بود، ولی این کشور، پیش تر ورود یهودیان را به دلیل فشار مالی و مخالفت اشراف ممنوع ساخته بود. بدین لحاظ یهودیان مهاجر در آمستردام رحل اقامت



ثروت آنها نداشت. این طبقه که بعدها به بورژوا معروف شد در ابتدا تعداد زیادی را بالغ نمی شد که آنها نیز به شغل بانکداری و یا سوداگری های تجاری مشغول بودند- نظیر خانواده مدیچی در ایتالیا- اما پس از شروع قرن ۱۷ تعداد آنها در اروپا رو به ازدیاد نهاد و از آنجا که هم آنها و هم اشراف قدیمی به دنبال تسلط و دوشیدن طبقات پایین جامعه بودند میان این دو جنگی در گرفت که گاهی گرم و گاهی سرد بود. طبقه ی جدید اندک اندک دریافت که برای پیروزی نیاز به یک سازمان گسترده و کارآمد دارد.

انگلستان در این زمینه جلو افتاد و با دراختیار گذاشتن تشکیلات فراماسونری که قبلا در اسکاتلند تاسیس شده بود انجمنی را برای این طبقه ی جدید ایجاد کرد، که تمام اندیشه را به سمت جلب سرمایه ی بیشتر تا ثروت گسترده تر و تسلط بر منابع مادی هدایت نمود. و از آنجا که در آن زمان کلیسا همواره درکنار اشراف می ایستاد این گروه تازه وارد جدایی دین از سیاست را به عنوان شعار خود قرار داد. یهودیان که به لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی و بالاخص دینی و فرهنگی شباهت تام و تمامی به این طبقه داشتند و گویی از مدتها قبل خود واضع این طبقه اجتماعی بوده اند، به سرعت در این گروه ادغام شدند و خود را در کنار این گروه قرار داده و در

به ضرب پول سرمایه داران یهودی که تازه از زیر بار قتل عامها کمر راست کرده بودند، به عنوان رئیس کمیته پذیرش یهودیان به انگلستان برگزیده شد طرح دوستی ریخت. وی همزمان با این کار با انتشار کتاب خود آگاهی ملی یهودی، سنگ بنای صهیونیست نژادی را در دیانت موسوی بنا نهاد.

به این ترتیب یهودیان وارد جامعه ی انگلستان شده در آن استقرار یافتند. اگر چه مدت زیادی طول کشید اما در نتیجه بعدها کسانی نظیر دیزرائیلی از میان همین یهودیان به مقام نخست وزیری دست یافتند و یا مثل لفرد بایرون به لقب اشرافی و محدود لردی رسیدند.

پیوند یهودیان و بورژواها

عصر رنسانس اروپا را به سمت اندیشه های فکری جدید سوق داد و در سایه ی آن دوران فنودلیته که مبتنی بر زمین و کار روی آن بود می رفت تا جای خود را به دوره جدید که دیگر اشراف و زمینداران جایی در آن نداشتند و تنها روابط پولی بر آن حاکم بود، دهد.

این اتفاق پس از شروع رنسانس در قرن ۱۵ آغاز شد و در پرتو آن طبقه ای در اروپا رشد کرد که ثروتمند ولی بدون سابقه ی اشرافیت موروثی بود و به علاوه ثروت خویش را در معاملات پولی و تجارت صرف می کرد و زمین نقش مهمی در

بر انگلستان که رقیب دیرینه فرانسه بود غلبه کند. به دنبال این امر به مصر لشکر کشید تا انگلستان را از طریق مستعمراتش تحت فشار قرار دهد.

در این مسیر نیاز به پشتوانه مالی فراوانی بود که تنها لابی های یهودی واجد آن بودند از این رو با تلاش وی در سال ۱۸۰۳ نخستین مجمع ملی یهودیان با نام باستانی سنهدرین در پاریس گشایش یافت.

پس از آن ناپلئون شعار بازگشت به سرزمین موعود را برای جلب نظر یهودیان متمدن سرلوحه ی برنامه های تبلیغی خود قرار داد. اما این امر چندان مورد توجه یهودیان واقع نشد و حتی زمانی که او قصد داشت تا بیت المقدس را تصرف کرده و آنرا در اختیار یهودیان قرار دهد، یگانهای لشکر او که در مصر مستقر بودند باید با یهودیان بومی فلسطین نیز پیکار می کردند و بسیاری از این یهودیان بومی دوشادوش مسلمانان و مسیحیان جنگیدند. به هر نحو دوران ناپلئون با حمله به روسیه به سرآمد. او را به سنت هلن تبعید کردند و در ناامیدی محض به مرض سرطان در گذشت. اما عمل او منجر شد تا برای اولین بار یهودیان اروپایی گردهم جمع شوند و اولین نشستهای مستقل یهودی را در اروپا برپا دارند.

تشکیلات فراماسونری و دستگاه آن نیز بالا رفتند.

از آنجا که هدف هر دو طرف یعنی یهودیان و بورژواها تنها رسیدن به پول و بالطبع قدرت بدون دخالت مذهب بود- یهودیان به دلیل عدم پذیرش مذهبشان توسط عامه و بورژواها به دلیل مخالفت کلیساها با آنها- این همکاری به سرعت رشد کرد و این دو گروه در کنار یکدیگر رشد کردند. به دنبال آن الیور کرامول انقلاب ماسونی را در انگلستان پی ریخت و به این ترتیب این گروه با تسلط سیاسی بر انگلستان نخستین دولت فراماسونی دنیا را که معجون یهودی- بورژوازی بود بنیان نهاد.

ناپلئون و انگیزه های استعماری و ایده بازگشت یهودیان

در سالهای آغازین قرن ۱۹ جهان شاهد ظهور یک نابغه ی نظامی و جاه طلب به نام ناپلئون بناپارت بود. بناپارت که کار خود را به عنوان افسر توپخانه با درجه ی ستوان دومی در ارتش انقلابی فرانسه آغاز کرده بود. به سرعت مدارج ترقی را طی نمود و با پیروزی هایی بر ارتش اتریش و سپس پروس، در مدت کوتاهی امپراتور فرانسه شد و جمهوری را ملغی کرد. ناپلئون پس از استقرار امپراتوری و حمله به کشورهای اطراف و به زانو در آوردن آنها، عزم خود را جزم کرد تا



قرن ۱۹ و حضور بیش از پیش یهودیان در دستگاههای سیاسی و مالی اروپا

ظهور غول سرمایه داری و بانکداری غرب یعنی خانواده ی روچیلدها در همین دوران به وقوع پیوست. خاندان روچیلدها، اصالتا اهل آلمان و شهر فرانکفورت بودند. جد ارشد آنها امشل موشه روچیلد بود که برای اولین بار در خانواده اش شغل صرافى را پیشه خود ساخت و پدرش که بنیانگذار این خانواده ی بانکدار محسوب می شود در سال ۱۷۴۳ با نام میرامشل روچیلد در فرانکفورت متولد شد.

پس از آن پسران میرامشل روچیلد بازوهای اقتصادی و شعب بانک روچیلد را در سراسر اروپا گسترند واز طریق ازدواج با خانواده های متمول بر نفوذ خود افزودند. آنها با پرداخت وامهای کلان به دولتهای اروپایی قدرت خود را تثبیت نمودند، اگر چه بعدها قدرت اصلی آنها به واسطه سلومون روچیلد در فرانسه و پاریس متمرکز گردید ولی آنها در فرانکفورت، لندن، وین، مسکو، ناپل و رم اقدام به ایجاد شعبه نمودند و قدرت مالی را در منطقه قبضه کردند.

اواسط قرن ۱۹ و آغاز دوران سقوط و اضمحلال دولتهایی قدرتمند مسلمان، ایران و عثمانی

در ایران سلسله قاجار با حکومت خود صدها سال ایران را به عقب برد و عثمانی با فساد گسترده درباری خود نیز دچار چنین وضعی گردید. در مصر محمد علی پاشا، که اصالتا آلبانیایی بود، قدرت را به دست گرفت و سپاه عثمانی را از منطقه راند. عثمانی در شمال افریقا تنها نامی بی استفاده بیش نبود. در این زمان فلسطین گاهی تحت سیطره ی مصر و گاهی حوزه ی نفوذ عثمانی بود. اکثریت قریب به اتفاق مرد ساکن فلسطین مسلمان بودند و در آن یک اقلیت چند صد نفری یهودی نیز ساکن بود. در سال ۱۸۵۱ لردپالمرستون نخست وزیر وقت انگلستان که در آن زمان در اوج قدرت استعماری به سر می برد، اولین بهانه را برای دخالت و دست اندازی در اراضی فلسطین به دست آورد و این بهانه چیزی جز اعتراض صوری به وضعیت یهودیان نبود.

انگلستان و تحت الحمایگی یهودیان

البته انگلستان پیشتر با تحت حمایت قرار دادن یهودیان روسیه در ۱۸۵۰، تزار را بر علیه یهودیان تحریک کرده بود، اما این دخالت جدید به منظور تاثیر گذاری بر سیاستهای اروپایی عثمانی محسوب می شد. به دنبال این دخالت انگلستان امتیاز حمایت کنسولی از یهودیان فلسطین را به دست آورد و نخستین کنسولگری خود را در بیت المقدس راه اندازی نمود



و بذره‌های توطئه انگلستان برای تجمع یک اقلیت غیر بومی برای تاثیر گذاری بر منطقه وارد مرحله‌ی تازه‌ای گردید.

یهودآزاری در روسیه تزاری

سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ برای یهودیان روسیه که بالاترین نفوس یهودی در اروپا را شامل می شدند، سالهای خوبی نبود. تزار که از مدت‌ها قبل به دلیل حمایت انگلستان از یهودی‌های روسی نسبت به آنها بدگمان شده بود، دست مخالفان ضد یهودی را در کشتار کارگران یهودی کیف در اوکراین و چند شهر دیگر این منطقه باز گذاشت.

این امر باعث شد تا بازار اندیشه بازگشت به فلسطین یا همان ارض موعود توسط عوامل انگلیسی در روسیه داغ شود با این حال ۹۸٪ یهودیانی که از روسیه گریختند حاضر نشدند به فلسطین بروند و همگی راهی اروپای غربی و آمریکا شده و بحران تازه‌ای را ایجاد کردند.

در سال ۱۸۹۳ لئونیسکر یکی از دانشوران یهودی در اوکراین باشگاهی بنام بنی موسی افتتاح کرد و برای نخستین بار با انتشار نشریه‌ی «ای روسی - یهودی به نام " صهیون " این نام را بر سر زبان‌ها انداخت.

تاثیر ناسیونالیسم اروپایی بر اندیشه صهیونیسم

وسرپرستی آنها به ادوارد توماس راجرز و مینزی که هر دو یهودی بودند سپرد. در ادامه انگلستان مجوز خرید یک قطعه زمین برای یهودیان مستمند را از عثمانی به دست آورد و به دعوت لرد پالمستون، موسی مونت فیوره یهودی متمول انگلیسی نخستین قطعه زمین را از عثمانی خریداری کرده و رعیت‌های مسلمان آنرا بیرون راند و اولین مزرعه کشاورزی صنعتی را پدید آورد که کارگران آن همگی یهودی اروپایی بودند.

انگلستان در ادامه دخالت‌های خود در همان سال انجمن ادبیات انگلیسی کتاب مقدس را در اورشلیم بنا نهاد که تماماً به دست یهودیان اداره می شد.

همزمان با این وقایع بود که در ۱۸۵۶ یک نویسنده‌ی انگلیسی ناشناس با انتشار کتابی به نام بحران و راه گریز برای اولین بار عملاً در محیط مسیحی آن زمان به تمجید از یهودیت پرداخت و بازگشت به سرزمین موعود را به لحاظ اخلاقی مورد تاکید قرار داد.

در سال ۱۸۶۱ "انجمن عبری کولونی سازی در سرزمین مقدس" راه اندازی گردید که مرکز آن در لندن بود و کارهای خود را در امور خیرخواهانه متمرکز ساخته بود و در کنار آن اقدام به ایجاد کولونی‌های یهودی در فلسطین می نمود.

از آغاز سال ۱۸۷۰ دعوت‌های محدودی در میان یهودیان اروپایی در مهاجرت به فلسطین آغاز شد



پیش‌تاز گردید. وی در این سال ۷۰۰ خانواده یهودی را در آرژانتین اسکان داد. مقارن همین سال ها جنبش طرفدار یهودیان خواهان بازگشت با حمایت انگلستان، در میان مسیحیان انگلیسی به سرپرستی اسقف ایکتاتیوس و حمایت بی دریغ ویلیام اوارت گلاستون نخست وزیر انگلستان به راه افتاد و عملاً دنیای مسیحی را به دلیل جنایت علیه یهودیان و امدار آنها دانست. در همین دوره است که شاعران یهودی نظیر لازاروس در آمریکا و بایرون در انگلستان سرودن شعرهایی در ارتباط با آرمان بازگشت به فلسطین را آغاز کرد.

کنفرانس بال سوئیس و جنبش صهیونیسم سیاسی

سال ۱۸۹۶ را می توان سال آغاز رسمی جنبش صهیونیستی دانست. در این سال یک روزنامه نگار مجارستانی الاصل اتریشی و یهودی به نام تئودور هرتزل در کتابی به نام دولت یهود رسماً تمایل دانشوران را به داشتن یک سرزمین مستقل بر انگیخت. وی ۲۹ اوت سال ۱۸۹۷ اولین کنگره صهیونیست ها را در بال سوئیس راه اندازی کرد. در همین کنگره بود که صهیونیستها تمامی نظرات مبتنی بر سرزمینی غیر از فلسطین برای ارض موعود را رد کردند و با پافشاری آشورگیزبرگ (احد حآم) و ماکس نوردائو مشاور

به دنبال این حرکت گروهی از سرمایه داران یهودی فراماسون کوشیدند تا وحدت دینی یهودیان را که یک واقعیت موجود بود به یک وحدت ملی که یک عقیده خرافه و موهن و غیرقابل قبول بود تبدیل سازند البته این موضوع با جو آن زمان اروپا سازگاری داشت. اروپا در عهد گسترش ناسیونالیسم به سر می برد و طبعاً این وضع بر یهودیان بی تاثیر نبود. با تمام این اوصاف هنوز در آن زمان حتی در اندیشه افراطی ترین یهودیان نیز، پذیرش فلسطین برای ساختن سرزمین موعود ممکن نبود.

انجمن عشاق صهیون

در سال ۱۸۹۰ انجمنی به نام عاشقان صهیون با همکاری مستقیم بارون ادموند روچیلد فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. اینان که اعتقادشان در مورد ارض موعود تنها به فلسطین محدود بود کوشیدند تا در سال های ۱۸۹۵-۱۸۹۶ در فلسطین اقدام ساخت آبادیهای یهودی نشین نمایند. مقارن همین زمان اشخاص دیگری از جامعه یهودیان که متمایل به ایجاد یک میهن ملی - یهودی بودند در گوشه کنار دنیا دست به کار شدند. یکی از این افراد بارون هیرش آلمانی بود که با ایجاد یکی از بزرگترین کولونی های یهودی در آرژانتین به سرپرستی افسر یهودی انگلیسی سرهنگ گلد اسمیت به سال ۱۸۹۲ در این امر



از دو اصل اول، ویژگی مهم "نژادپرستی" و از اصل آخر، ویژگی "اشغالگری و تجاوز" صهیونیسم پدید آمد. بر همین اساس، راه‌حلهایی که تئودور هرتزل ارائه می‌کند، نفی و رد ادغام یهودیان در ملت‌های دیگر، ایجاد نه تنها یک کانون و مرکز فرهنگی برای اشاعه ایمان یهودی، بلکه یک دولت یهودی می‌باشد که تمام یهودیان جهان در آن مجتمع شوند. البته این دولت باید در یک محل خالی و بی‌مذاقت مستقر شود. این بدان معناست که نباید به مردم بومی اهمیت داد و آن را به حساب آورد.

هرتزل، بر اساس ایده دولت انگلستان و جذب افکار عمومی دنیا ابتدا قصد داشت یک جامعه یهودی در "اوگاندا" ایجاد کند. ولی کنگره یهود با پیشنهاد وی مخالفت نمود و تأکید کرد که فلسطین و یا حداقل منطقه‌ای در جوار آن که بعداً بتوانند به فلسطین دست بیابند، باید به عنوان مرکز یهود انتخاب شود. نتیجه خوی نژادپرستی و تجاوزگری صهیونیسم سیاسی، نفی وجود مردم فلسطین بود. این اصل مسلم، ریشه و منشأ تمام جنایات بعدی آنان است.

خانم گلد مایر در روزنامه ساندی تایمز (۱۵ ژوئن ۱۹۶۹) اعلام کرد: "فلسطینی وجود ندارد. این‌طور نیست که تصور کنیم که یک خلق فلسطین در فلسطین وجود داشته که خود را به عنوان یک خلق فلسطینی تلقی کرده‌اند و ما

هرتزل آرمان صهیونیستها را دستیابی به ارض موعود در فلسطین اعلام نمودند.

اما نکته ای که نباید فراموش کرد انگیزه های سیاسی موسسان اولیه جنبش صهیونیسم یهود است. تئودور هرتزل نیز که تربیت یافته فضای سکولار و ناسیونالیستی اروپا بود به هیچ وجه انگیزه های مذهبی نداشت و تنها به دنبال رهایی قوم یهود از آزار و اذیت های ملت های اروپا بود. اما آموزه های توراتی مستمسک بسیار عالی برای توجیه یهودیان برای بازگشت به فلسطین به حساب می آمد.

هرتزل برخلاف صهیونیست‌های مذهبی، نسبت به خدا مطلقاً شکاک بود. او که اشتغال خاطرش عمدتاً نه مذهبی، بلکه سیاسی بود، مسأله "صهیونیسم" را به شکلی جدید مطرح ساخت. اصول کلی اندیشه سیاسی هرتزل عبارت بودند از:

- (۱) یهودیان سراسر دنیا، در هر کشوری که باشند، مجموعاً یک قوم را تشکیل می‌دهند.
- (۲) یهودیان غیرقابل جذب و ادغام در ملت‌هایی هستند که در بین آنان زندگی می‌کنند و در آنان تحلیل نمی‌روند.
- (۳) یهودیان همه وقت و همه جا تحت آزار و ظلم بوده‌اند.



دیگر نیز داشته است؛ اعراب وحشتزده فرار می کردند، در حالی که فریاد می زدند: دیر یاسین .

"

خانم گلدمایر و مناخین بگین می گویند: "این زمین به ما وعده داده شده بود و ما بر آن حق داریم."

موشه دایان نیز می گوید: "اگر بر تورات مسلطیم، اگر خود را قوم تورات می دانیم، بایستی بر سرزمین های قضا و ریش سفیدان بیت المقدس، حبرون، اریحا و باز هم جاهای دیگر مسلط شویم."

این مفهوم و وعده ها و حربه های تحقق آن، مثل واژه "قوم برگزیده" و "اسرائیل بزرگ، از نیل تا فرات" اساس ایدئولوژیک صهیونیسم سیاسی را تشکیل می دهد. استعمارگران همه زمان ها و همه اقوام همواره برای ضمیمه سازی و غصب و سلطه گیری های خود توجیهی تراشیده اند. معمولاً بهانه آنان "برتری فرهنگی" بوده است که به مهاجم و غاصب، به اصطلاح یک مأموریت تمدن بخش از طرف نژاد خود برای دیگران اعطا می کرده و استفاده ابزاری از مذهب، پوششی برای سلطه یک گروه اجتماعی بر دیگری بوده است. اندیشه "قوم برگزیده" از نظر تاریخی و سیاسی، جنایت آفرین است؛ زیرا همواره تهاجم ها، توسعه طلبی ها و سلطه گیری ها را مقدس وانمود کرده است. اندیشه "قوم برگزیده" از نظر مذهبی

آمده ایم آنان را بیرون کرده و کشورشان را گرفته ایم. آنان اصلاً وجود ندارند!"

پروفسور بنزیون دینر، که اولین وزیر آموزش ملی دولت اسرائیل و دوست صمیمی داود بن گورین، بنیانگذار دولت اسرائیل، بود، در سال یبسی در مقدمه کتاب تاریخ هاگاناه از انتشارات سازمان صهیونیسم جهانی، می نویسد: "در کشور ما، جا برای کسی بجز یهودیان نیست؛ ما به اعراب خواهیم گفت: بیرون. اگر موافق نباشند یا مقاومت کنند، ما آنان را بیرون خواهیم کرد."

صهیونیسم سیاسی با سوء استفاده تاریخی از تورات، پیوسته ادعای ارضی و "حق الهی" مالکیت بر فلسطین را مطرح می کند. در نگرش آنان، همه چیز برای آنان مجاز است. وقتی "قوم برگزیده" خداوند و عامل مطلق باشند، شکنجه و بدرفتاری، ترور، تهدید و اعراب و دستگیری ها، نقل و انتقال اجباری و تبعید دسته جمعی، انهدام اموال و مصادره آن ها و کشتارهای دسته جمعی را برای خود محفوظ می دانند. یک نمونه از این جنایات، کشتار "دیر یاسین" در ۹ آوریل ۱۹۴۸ است.

مناخین بگین، که فرماندهی این جنایت را به عهده داشت، در کتاب خود، تحت عنوان قیام تاریخ ایرگون، می نویسد: "بدون پیروزی دیر یاسین، دولت اسرائیل نیز وجود نمی داشت... هاگاناه" حمله های پیروزمندانه ای در جبهه های



راه انداخت. بدین صورت، ما به دو هدف خواهیم رسید: ابتدا تخریب قدرت اعراب و سپس گسترش مرزهای خودمان."

این کنگره زیاد دوام نیافت، پلیس تزاری به محل برگزاری حمله کرده و اسناد را توقیف نمود که یکی از آنها پروتکل های دانشوران صهیون است. هرتزل که مردی بلند پرواز و جاه طلب بود هرگز نتوانست رویای های خود را محسم ببیند. هنوز بورژواهای غربی قانع نشده بودند که تاسیس یک حکومت یهودی در فلسطین لازم است یا نه؟

در سال ۱۹۱۴ به دنبال ترور ولیعهد اتریش توسط یک جوان صرب جنگ جهانی اول که از ۱۰ سال قبل زمینه هایش فراهم شده بود آغاز گردید. اینکه برنده اصلی این جنگ که ۱۳ میلیون کشته به جای گذاشت چه کسانی بودند نیاز به کنکاشهای دقیق و موشکافانه دارد.

کنفرانس های صهیونیست ها در طول جنگ های جهانی اول

اما صهیونیستها در خلال این جنگ دوران پر کاری را می گذراند. آنها در خلال این جنگ اقدام به برگزاری کنفرانسهایی با حضور یهودیان سراسردنیا نمودند.

این کنفرانسهها از ۱۹۱۵ در زمان اوج گیری جنگ جهانی شروع شد و در سال ۱۹۱۷ به اوج خود

پذیرفتنی نیست؛ زیرا هر جا برگزیدگان باشند، پردشدگان هم هستند.

بر مبنای چنین تفکری است که بن گورین با صراحت می گفت: "مسأله ما حفظ وضع موجود نیست، وظیفه ماست که دولتی متحرک در جهت توسعه هرچه بیش تر ایجاد کنیم."

توسعه طلبی و تهاجم های وحشیانه حکومت اسرائیل از همین منطق ظالمانه و غیرانسانی صهیونیسم سیاسی سرچشمه می گیرد. بن گورین از سال ۱۹۳۷ مرزهای اسرائیل را بر اساس مراجع توراتی طرح کرده است. به عقیده او، سرزمین اسرائیل باید پنج منطقه را در برگیرد. جنوب لبنان تا رودخانه لیتانی (که بن گورین آن را "بخش شمالی اسرائیل غربی" می خواند)، جنوب سوریه و ماورای اردن (آنچه امروزه "اردن" نامیده می شود)، و فلسطین و صحرای سینا. آنان حتی شهر "حمص" در سوریه را با شهر "حمات"، که در سفر اعداد (باب ۳۴ آیات ۱ و ۲ و ۸) مرز شمالی کنعان را مشخص می سازد، یکی دانسته، برخی دیگر این شهر را حتی در ترکیه می دانند. اصولاً اندیشه یک جنگ پیش گیرنده، که در آن ایده گسترش مرزها محقق شود، منطق نظام صهیونیستی است.

مناین بگین در ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵ اعلام می کند: "من عمیقاً معتقدم بدون لحظه ای تردید، باید یک جنگ پیش گیرنده علیه دولت های عرب به



از دیگر سو امپراتوری آلمان (پروس) و اتریش - هنگری نابود گردید و حکومت های کهن فتودالی جای خود را به روشنفکران ماسونی داد . با وجود پیروزی های متفقین ، آنها به لحاظ اقتصادی در وضع وحشتناکی قرار گرفتند و ناچار برای جبران کسری بودجه به بانکهای متمدن روچیلدها روی آوردند . از دیگر سوی ملل مغلوب محکوم به پرداخت غرامت شده بودند و برای پرداخت آن ناگزیر از دریافت وام بودند .

فروپاشی عثمانی و معاهده سایکس - پیکو

اما مهمترین واقعه جنگ جهانی اول فروپاشی امپراتوری کهن عثمانی بود. آخرین دولت ظاهراً اسلامی که به دلیل فساد از درون پوک و پوچ و پوسیده شده بود. پیش از پایان جنگ دولتهای متفق تکلیف سرزمینهای عثمانی را روشن کرده بود و بر اساس معاهده سایکس - پیکو، سوریه و لبنان به فرانسه و عراق، اردن و فلسطین به انگلستان می رسید.

ماشین صهیونیستها به حرکت درآمد . وایزمن رهبر جنبش صهیونیست و ناهوم سوکولف عضو برجسته آژانس یهود با همکاری یاران یهودی و مسیحی خویش دولت بریتانیا را متقاعد کردند تا با ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین موافقت نماید . در پی این تلاش ها انگلستان که اینک با

رسید . کشورهایی که این کنفرانسها در آنها برگزار شد به قرار زیر است :

۱۹۱۵ - هلند ، کانادا ، اتریش ، انگلستان
۱۹۱۶ - انگلستان ، استرالیا ، آمریکا ، هندوستان ، سوئد ، سوئیس ، آفریقای جنوبی ، کانادا ، لهستان ، روسیه ، هلند ، بلژیک
۱۹۱۷ - لهستان ، هلند ، آمریکا ، روسیه ، انگلستان ، سوئیس ، یونان ، بلژیک ، استرالیا ، تاجیکستان ، کانادا

از لحاظ تعداد نیز : در ۱۹۱۵ ، ۴ کنفرانس ، ۱۹۱۶ ، ۱۸ کنفرانس و ۱۹۱۷ ، ۳۱ کنفرانس در سطح دنیا برگزار شد و در خلال این کنفرانسها یهودیان دنیا ۲۳۱۴۵۶۳ فرانک به صندوق ملی یهود اهدا کردند که بیش از ۴۵٪ آن اهدائی یهودیان آمریکایی بود .

۱۹۱۷ نقطه عطفی در تاریخ اروپا بود ، پایان جنگ جهانی اول معادلات منطقه ای را در حد وسیعی تغییر داد . امپراتوری تزاری روسیه که دشمن سر سخت یهودیان بود کاملاً نابود شد . بد نیست که بدانیم جنبش صهیونیستی در فروپاشی این امپراتوری پوشالی نقش اساسی داشته است . علاوه بر دست پرورده های باشگاه بنی موسی که خود عاملان جدی اغتشاش بودند نفوذ کامل روچیلد در صنایع روسیه و بالاخص صنایع نفت و گاز بی تاثیر نبود .



سپاسگذار خواهیم شد به فدراسیون صهیونیستی
ابلاغ کنید.

ارادتمند شما
ارتور جیمز بالفور

اینک کشوری با تبلیغات فراوان سرزمین یک
ملت را به ملت دیگری وعده می دهد!

اعلامیه ی بالفور در حقیقت عبارت است از وعده
ی سرزمین یک ملت بوسیله ی یک دولت دیگر
به یک ملت سوم! شرم آورترین عمل در نوع
خود.

به دنبال این اعلامیه صهیونیسم حالت رسمی
یافت، در ماه مه سال ۱۹۱۸، حییم وایزمن رهبر
صهیونیستها وارد شهر یهودی تل آویو شدو بنیان
دانشگاه عبری را نهاد.

موج مهاجرت آغاز شد. یهودیان با میل یا بدون
میل راهی فلسطین شدند برای آنها تشویق
،تهدید و زور و هر ابزار دیگری در نظر گرفته می
شد. آژانس یهود شروع به خرید زمین کرد و مزارع
کیبوتص که مورد مدح کمونیستها بود متولد شد.
با وجود تحرکی که در میان اعراب فلسطین
مشاهده شد، آنها بیشتر سرمست از فروپاشی
امپراتوری عثمانی و رهایی از ظلم بودند. در دهه
۳۰ عزالدین قسام روحانی مسلمان در برابر
استعمار انگلستان قیام کرد و له ی تیز حمله خود
را متوجه صهیونیستها ساخت اما در بیشه های

ثروت نفت در خاورمیانه روبه رو بود و به علاوه از
جنبش های اسلامی آینده در میان مسلمانانی که
دیر یا زود بیدار می شدند بیم داشت، به طور
ضمنی با این درخواست موافقت نمود.

اعلامیه بالفور

لرد بالفور وزیر امور خارجه انگلستان در ۲ نوامبر
۱۹۱۷ بیانیه معروف خود را از طرف دولت
انگلستان به صهیونیست ها اعلام داشت. این
بیانیه خطاب به لرد روچیلد نوشته شد.

متن اعلامیه بالفور

وزارت امور خارجه

۲ نوامبر ۱۹۱۷

لرد روچیلد با مسرت فراوان به نمایندگی از جانب
دولت اعلیحضرت، اعلامیه حمایت از آمال
صهیونیستی یهودیان را که به کابینه تسلیم ومورد
تصویب قرار گرفته است را ابلاغ می کند:

دولت اعلیحضرت، تأسیس یک موطن ملی برای
قوم یهود را با فلسطین با دیده مساعد را می نگرد
ومتامی تلاش خود را برای تحصیل تحقق این
هدف به کار خواهد گرفت، البته با درک کامل
این نکته که هیچ اقدامی مغایر با حقوق مدنی
ومذهبی جوامع غیر یهودی موجود در فلسطین
یا حقوق و موقعیت سیاسی که یهودیان ساکن در
کشورها از آنها برخوردارند صورت نخواهد گرفت.

شناخت ابعاد جنبش جهانی صهیونیسم و روند اشغال فلسطین

International Union of Unified Ummah

بیش از بقیه سنگ مبارزه با فاشیسم را به سینه می زدند.

در سالهای پیش از جنگ جهانی اول فلسطین آبستن حوادث بسیاری بود و این رویدادها تا سالهای بعد از جنگ نیز دوام یافت. اینک آنچه را که بر ساکنان فلسطین در این سالها گذشته است به اختصار می خوانیم:

سال ۱۹۱۳:

۱۶ ژوئن: بر پای اولین کنگره ی اعراب در پاریس برای رسیدگی به مشکلات ساکنان سرزمینهای سوریه لبنان و فلسطین. این کنگره مسئله صهیونیسم را بررسی نکرد.

۱۲ اوت: تظاهرات هزاران نفر در نابلس در اعتراض به فروش اراضی توسط دولت عثمانی به یهودیان.

۲۰ سپتامبر: تشکیل جمعیت جوانان یهودی در فلسطین و آغاز ترور فلسطینیان.

سال ۱۹۱۴:

۲۴ فوریه: تشکیل جمعیت جوانان عرب در راه مبارزه با صهیونیسم در استامبول.

۷ ژوئیه: انتشار نامه سر گشاده ده تن از روشنفکران فلسطینی در شهر بیت المقدس و هشدار به مردم در مورد تسلط صهیونیستها بر فلسطین.

جنین به شهادت رسید. طی دهه ۲۰ خرید زمین از ۴۴۵۰۰ هکتار به ۱۲۰۰۰۰ هکتار رسید.

رشد مهاجرت تا سال ۱۹۳۹ (شروع جنگ جهانی دوم) با حالتی متوسط ادامه یافت. اما در این هنگام آلمان در اروپا که تازه سر از خاکستر جنگ جهانی اول بیرون آورده بود تحت لوای حزب نژاد پرست نازی رشد کرد و به اوج قدرت صنعتی رسید و به دنبال حمله ی آلمان به لهستان جنگ جهانی دوم به طور رسمی آغاز شد.

دستآورد این جنگ برای صهیونیستها کلان بود. هیتلر رهبر فاشیستها که حضور یهودیهای مودی را تحمل نمی کرد با صهیونیستها برای انتقال یهودیان وارد مذاکره شد. در سال ۱۹۳۳ دو شرکت تاسیس گردید: هاوارا در تل آویو و پالتروی در برلین. این دو شرکت کار مهاجرت یهودیان آلمانی و کلاً اروپایی را سر و سامان می داد.

هر مهاجر باید ۱۰۰۰ لیره استرلینگ به ودیعه نزد شرکت قرار می داد در غیر این صورت باید در جنگ کشته می شد!

کار دیگر شرکت تأمین کالا و مواد خام برای آلمان بود که در آن زمان با توجه به تحریم آلمان سود کلانی نصیب آنها می کرد. رؤسای شرکت نیز حائز اهمیت بودند: بن گورین (اولین نخست وزیر اسرائیل) گلدامایر (نخست وزیر) لوی اشکول (نخست وزیر) جالب اینجا بود که اینان بعدها



۳ آوریل: انعقاد قرار داد سان رمو و اعطای رسمی فلسطین با نگرش صهیونیستی به انگلستان
۷ ژوئیه: سقوط فرمانروایی سوریه و تسلط فرانسه.
۱۳ دسامبر: کنگره سوم فلسطین و استیصال آن در برابر حمایت انگلستان از صهیونیستها
سال ۱۹۲۱:

۱۲ مارس: کنفرانس منطقه ای قاهره به ریاست چرچیل با حضور لرد کرزن و لورنس عربستان و تعیین تکلیف برای میلیونها مسلمان.
۲۵ مارس: ممنوعیت برپایی تظاهرات در حیفا و دریافتی مسلمانان با انگلیسیها و یهودیان در این شهر.

۱ مه: قیام یافا و شورش یهودیان کمونیست در تل آویو

۵ مه: کشتار کشاورزان معترض به تصرف زمین توسط انگلیسیها با حمایت آتش صهیونیستها

در ۲۱ مارس ۱۹۲۱ چرچیل وزیر وقت مستعمرات انگلستان، که اینک با توافق فرانسه و سایر متفقین آماده بود تا لقمه آماده کشورهای مسلمان را ببلعد، تعدادی از کارشناسان زبده خاورمیانه نظیر لرد کرزن، لورنس عربستان و ... را که مجموعاً ۴۰ کارشناس بودند در قاهره دور یکدیگر جمع نمود تا سیاستهای جدید خاورمیانه ای بریتانیا را مشخص می کند. از جمله مصوبات این نشست تصمیم به تغییر حکومت در ایران و عثمانی و تأیید

۱۲ نوامبر: توافق شریف حسین با انگلیس بر سر عدم متابعت از عثمانی در جنگ جهانی اول .
سال ۱۹۱۵:

۱۰ ژوئیه: امضای پروتکل دمشق منشور بر همکاری چین و انگلستان.
سال ۱۹۱۹:

۲۷ ژانویه: بر پاشی کنگره فلسطین در فلسطین توسط رو شنفکران داخلی

۲۸ ژانویه: انعقاد پیمان فیصل - وایزمن و عقب نشینی فیصل از فلسطین و خواست مردم آن در قبال واگذاری حکومت عراق یا اردن .

۲۵ ژوئن: ورود هیئت کینگ - کرین به فلسطین برای بررسی قیومیت از سوی جامعه ملل
سال ۱۹۲۰:

۲۷ فوریه: تظاهرات مردم بر ضد صهیونیست
۸ مارس: انتصاب ظاهری فیصل به پادشاهی سوریه و فلسطین توسط انگلیس

۱ مارس: اولین حمله گروههای مسلح فلسطین به شهرکهای یهودی

۱۱ مارس: ممنوعیت تظاهرات در فلسطین توسط انگلیس

۳۱ می: اعلام قیومیت انگلستان بر فلسطین و انتصاب سر هربرت ساموئل سیاستمدار یهودی به عنوان اولین کنسول انگلیسی

۴ آوریل: قیام قدس

شناخت ابعاد جنبش جهانی صهیونیسم و روند اشغال فلسطین

International Union of Unified Ummah

به اشغال صهیونیستها درآمد. شبه نظامیان هاگانا بر سر مردم ریختند و دسته های اشترن ، ایرگون و ... مردم بی گناه را به گلوله بستند.

گروهی را گرفته بینی و گوش آنها را بریدند و به آنها گفتند به بقیه بگوئید اگر نروند حکایت همین خواهد بود. در همان روزها بود که در ۹ آوریل سال ۱۹۴۸ مناخیم بگین که بعدها نخست وزیر اسرائیل شد با شبه نظامیان خود موسوم به اشترن ، ۲۵۴ نفر از ساکنان روستای دیربایسین از زن ، مرد و کودک را قتل عام کرد.

اشغال فلسطین واکنشهای بین المللی را برانگیخت. سازمان ملل در بیانیه ای آن را محکوم کرد ، اما با تلاشهای امریکا شورای امنیت قطعنامه ای تصویب کرد که در آن طرح تقسیم فلسطین به دو منطقه یهودی و مسلمان- مسیحی تصویب شد.

بخش اعظم این قسمتها به اسرائیل سپرده شد در حالیکه جمعیت آنها در آن زمان کمتر از ۱۰٪ کل فلسطین بود.

خواست صهیونیستها در تشکیل کشور یهودی است.

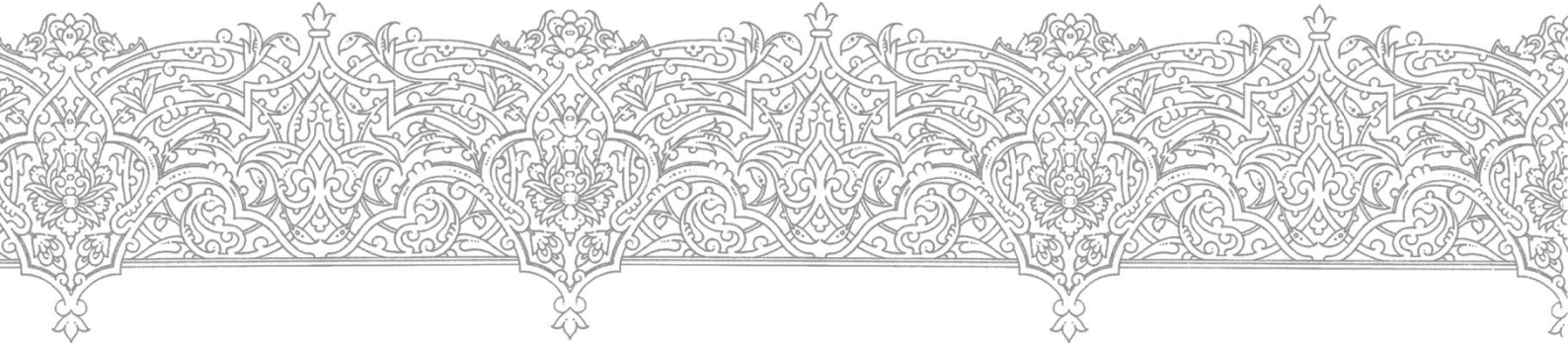
با درز این تصمیمها موجی از اعتراضات مسلمین فلسطین را در بر گرفت. به دنبال آن با برپایی کنفرانس سان رمو و انحلال رسمی دولت عثمانی ، قرارداد بالفور در دستور کار قرار گرفت و سرهربرت ساموئل یهودی به عنوان اولین کنسول انگلستان در فلسطین تعیین شد .
سلیم ایوب از اعضای کنسولگری ایران در قدس در گزارشی به مرکز می نویسد:

"ساموئل به عناصر یهودی خیلی مساعدت نمود لکن یهودیان از مساعدت دولت انگلستان استفاده نکرده بلکه سو استفاده کردند"

به هر حال این امر قیامهایی را با همراه داشت که در راس آنها قیام قدس قرار گرفته بود. به دنبال این اتفاقات عزالدین قسام در ۱۲ نوامبر قیام نمود اما قیام او در بیشه زارهای جنین خاموش گردید.

جنگ جهانی دوم به پایان رسید انگلستان تصمیم داشت در سال ۱۹۴۸ روز ۱۹ ماه مه فلسطین را ترک کند ، اما هیچ دولتی تعیین نشده بود. در ساعت ۱۲ شب دسته های ارتش انگلیس قدس را ترک گفتند و صبح همان روز دیوید بن گوریون اعلام نمود: کشور یهودیان در فلسطین اسرائیل نامیده خواهد شد.

به دنبال آن کشتارها و اخراج آغاز گردید ، قتل عامها شروع شد و بخشهای وسیعی از فلسطین



المجمع الدولي للأمم المتحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده

واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

٠٢١-٦٦٤٨٤٦٧٥

www.unified-ummah.com